

جایگاه طرح و اصالت در نمکدان های افشاری کرمان

علیرضا بهارلو

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان

صدیقه آقایی

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان

دکتر محمد تقی آشوری

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر



فصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۶
تابستان ۱۳۸۹

۲۱

چکیده

افشار هستند، حتی با وجود این که تأثیر و تأثرات بارزی
نیز در آن ها مشاهده می شود.

بدین جهت در مقاله پیش رو سعی بر آن بوده تا با مطالعه
ایل افشاری و سابقه بافندگی آن، و همچنین بررسی پیشینه
تاریخی و اقلیمی و میزان تأثیرپذیری بافته هایشان از سایر
نواحی؛ به شناختی پیرامون تولیدات آنها-علی الخصوص
نمکدان ها- دست یافت و میزان اصالت طرح ها و سایر
متعلقات این دست بافته ها را تعیین نمود.

جنبه های زیبایی شناختی ظاهری نمکدان ها نیز مورد
بررسی و تحلیل واقع شده و در نهایت، نتایج حاصل
در تطبیق با منسوجات سایر اقوام کوچ رو سنجیده شده
است.

واژگان کلیدی: کرمان، ایل افشار، دست بافته، نمکدان،
اصالت و تأثر.

نمکدان های عشایری از جمله آن دست بافته های
عشایری هستند که در مقایسه با سایر منسوجات ایلیاتی
مثل قالی، قالیچه، گلیم و... در سطح محدودتری شناخته
شده اند. این محفظه های کاربردی عموماً در میان سایر
دست بافته های ایلات مختلف کشورمان قابل مشاهده
اند و به لحاظ ساختار و فرم، طرح و نقش، بافت، رنگ
و تزئینات، مشخصات ویژه ای دارند که این امر لزوم
شناخت آن ها را در کنار سایر تولیدات عشایری، با
اهمیت جلوه می دهد.

در این میان، ایل افشاری کرمان با داشتن سابقه ای طولانی
در زمینه بافندگی، از جمله عشایری می باشد که دارای
نمکدان های متنوع و قابل توجهی است. نمکدان های
افشاری معمولاً به دست زنان ایل بافته می شوند و به لحاظ
ظاهری و سایر مختصات بافندگی بیان گر ویژگی های

مقدمه

در فرهنگ ما، «نمک» از دیرباز ارزش و مفهوم خاصی داشته و احترام کردن نان و نمک از صفات بارز ایرانیان بوده است. در فرهنگ عامیانه ایران، کشف نمک به طهمورث و یا بهرام گور نسبت داده شده است^۱. این ماده ارزشمند در پی استعمال مکرر در زندگی مفاهیم والایی را نیز پیدا کرده است؛ مفاهیمی همچون «زندگی، بی مرگی، فسادناپذیری، پایداری، وفاداری، دوستی، خرد و معرفت (آب شور خرد) و جان» (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۶۶) و «بعدها به معنی ارزش و با مزگی و بذله گویی به کار رفته است» (همان). واژگانی مثل نمک شناس، نمک-پرورده، نمک گیر، نمک به حرام، بی نمک، نمک حلال^۲ و... نیز بیان گر وسعت معنایی این واژه می باشد که در پاره ای موارد بر این امر دلالت دارد که نمک به صورت یک نماد در میان فرهنگ ما جا افتاده است.

شکرگزاری، حق شناسی، جوانمردی و مهمان نوازی نیز از جمله صفاتی هستند که بار معنایی این واژه را غنی-تر می سازند. این شواهد همگی گویای آن است که کاربرد نمک و معانی ضمنی آن، چیزی است که با آداب و رسوم و عقاید عجین شده است.

نمک ماده ای است که اصولاً جایگاهش در محفظه هایی از جنس چینی، شیشه، پلاستیک و... می باشد که عموماً این امر مختص زندگی شهری است. اما عشایر ایران بنا به مقتضیات خاص زندگی طبیعی خود، این ماده را غالباً در کیسه هایی دستبافت حمل می کنند که با نام «نمکدان» شناخته می شوند. این کیسه های بافته شده، به لحاظ ظاهری شکل خاصی دارند که برگرفته از کاربرد آن هاست. از آن جا که نمک آن چنان که به وفور در دسترس عموم قرار دارد قابل دسترسی برای اقوام کوچ رو نمی باشد، این اقوام و به خصوص چوپانان مجبورند میزان

قابل ملاحظه ای از آن را با خود جابه جا کنند.

نمکدان های عشایری علاوه بر کاربردشان، از نظر ابعاد، طرح و نقش، رنگ آمیزی و بافت نیز ویژگی های خاص خود را دارند که مطالعه و بررسی شان، آن ها را در کنار سایر بافته ها بیش از پیش جالب توجه می کند. نظر به این که اکثر عشایر ایران (مثل ایلات قشقایی، خمسه، لر، کرد، بلوچ و...) دارای نمکدان هستند، شناسایی و طبقه بندی این بافته های منحصر به بازشناخت جنبه ها و ویژگی های خاص این اقوام و هنر بافندگی شان کمک شایانی می نماید.

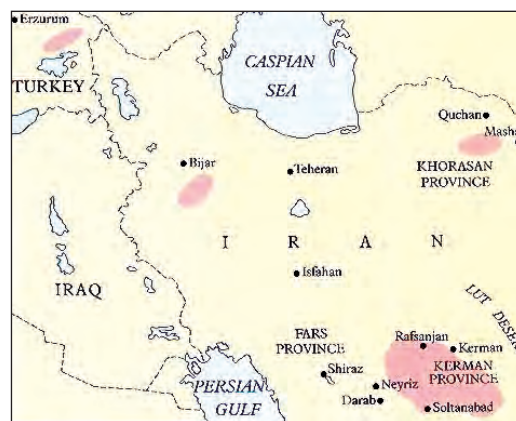
در این میان، ایل افشاری کرمان از جمله عشایری هستند که علاوه بر داشتن پیشینه درخشان تاریخی در حوزه های مختلف بافندگی، دارای نمکدان های عشایری و چوپانی متنوعی می باشند که در ادامه خصوصیات، کیفیت و اصالت آن ها بررسی می گردد.

ایل افشاری کرمان

سابقه تاریخی

«از لحاظ تاریخی، ایل افشار در اصل ترکمن هایی هستند که از سایر قبایل ترکمنی جدا گشتند» (Opie, 1992: 216). آن ها «در ناحیه قفقاز و اطراف دریاچه ارومیه سکونت داشتند و سپس دفعات متوالی به دستور شاهان صفوی و هم چنین نادرشاه افشار به اطراف کرمان کوچانده شده و در این مناطق رحل اقامت افکندند» (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۲۴). بنا به گفته ی محققین، این ایل در واقع از «عشایر ترک آسیای مرکزی و بخشی از ایل کهن ترکمانی غُر» بوده اند و سرانجام در مناطق آناتولی شرقی سکنی گزیدند و تا قرن ۱۶م. در آذربایجان حضور داشتند»

(Cole, 2001, HALI 117). نام افشار و بافته های افشاری بیش تر با کرمان و نواحی اطراف آن شناخته شده است.



تصویر ۱: قلمرو عمده افشارها

بوده اند، چنان چه از قرن ۱۹ م. است که «صادرات قالی کرمان، در کمیت بسیار زیاد به طرف بازارهای اروپایی و آمریکایی آغاز می گردد» (هانگمدین، ۱۳۷۵: ۷۳).

اما بنا بر سنت های رایج عشایری، بافندگان این ایل نیز گاهی به بافت گلیم، خورجین، رواسبی و سایر دست بافته ها می پردازند.

«نمونه هایی از سایر بافته های عشایری افشار شامل نمکدان ها، پوشش حیوانات (مثل اسب)، سوماک ها و پاره ای دیگر از اشیای بافته شده کوچک اندازه هستند که عموماً کاربرد محلی دارند» (Opie, 1992: 215).

به طور کل بافته های ایل افشار نیز مانند بافته های سایر عشایر، قابل تقسیم به دو دسته پرزباف و تختباف هستند که نمکدان های افشاری را می توان در هر دو دسته جای داد. برخی از محققین در یک تقسیم بندی کلی از تولیدات تختباف این ایل، آن ها را این گونه توصیف کرده اند:

- ۱- گلیم های زرکوه
- ۲- محصولات پیچ باف مرکز افشاری ها - سیرجان - و نواحی اطراف
- ۳- گلیم های ایل کُربا Qoraba
- ۴- فرشینه های متصل تک قلاب ناحیه بافت
- ۵- بافته های پود جایگزین کوه های جبال بارز
- ۶- گلیم های دره جیرفت و منوجان (Ford, Vol.11/3).

تشخیص و طبقه بندی

تنوع طرح و کیفیت بافته های عشایری افشاری به گونه ای است که بعضاً کار شناسایی و تعیین دقیق اصالت این محصولات را با مشکل مواجه می کند. «در واقع کار طبقه بندی تولیدات عشایری اصیل افشاری زمانی بغرنج می گردد که بدانیم طرح های مربوطه، هم در مناطق تحت سلطه و اداره ایرانی ها بافته شده اند و هم در مکان هایی که

در واقع «افشاری های کرمان از طایفه های افشاری های آذربایجان هستند که در زمان شاه تهماسب صفوی برای مجازات به نواحی کرمان کوچ داده شدند» (آذرباد و حشمتی رضوی، ۱۳۸۳: ۲۷۶). این ایل خود به طایفه ها و تیره های دیگری تقسیم می شود که دو تیره افشار و پیچاق چی از مهم ترین آن ها بوده اند. امروزه برخی دیگر از شاخه های این ایل را می توان در آذربایجان، خراسان، ورامین و ... رویت کرد، اما بخش گسترده ی آن ها در استان کرمان مستقر شده اند.

انواع بافته های عشایری

مهم ترین بافته های افشارهای کرمان، قالی و قالیچه هایی است که با همین نام شناخته می شوند. این قالی ها به لحاظ ابعاد، طرح و رنگ و سایر ویژگی ها منحصر و مختص کرمان و نواحی اطراف آن هستند که طبقه بندی و تشخیص آن ها بحث بیش تری می طلبد.

لازم به ذکر است که «اکثر قالی های افشاری به بازارهای شیراز، کرمان و یزد راه می یابند» (اشنبرند، ۱۳۸۴: ۲۹) و از طرف دیگر و در سطحی فراتر از مرزهای ایران، بازارهای جهانی نیز همواره خواستار فرش های کرمان

زیر نظارت افشارها و سایر دسته های عشایری بوده است. به همین دلیل صحت و تخصیص عنوان افشار در پاره ای موارد مورد بحث و مناظره است» (Opie, 1992: 215). از سوی دیگر، طرح های اقباسی ایل افشار که تا حد زیادی برگرفته از نواحی مختلف و پراکنده غیر بومی است، طبقه بندی گسترده ای را پیش رو قرار می دهد.

در سال های اخیر نیز با اسکان عشایر، به ویژه افشارها، و تغییرات ایجاد شده در نحوه زندگی و دست بافته هایشان، این امر بیش از پیش اهمیت یافته است. سایر منسوجات تخت باف از جمله نمکدان ها هم نیاز به بررسی خاص خود دارند.

نمکدان های افشاری کرمان نمکدان و کاربرد آن

عشایر ایران علاوه بر مطرح بودن در زمینه بافت قالی و قالیچه های مرغوب و زیبا که به عنوان زیرانداز استفاده می شوند، در تولید سایر محصولات بافته ای نیز فعالیت می کنند. برخی از این تولیدات بومی در واقع محفظه هایی با کاربرد های خاص هستند. گاهی مواقع «کمبود الیاف گیاهی برای سبد بافی و فیکدان چوب مناسب برای ساخت برخی اسباب باعث می شود تا عشایر رو به بافته های کیسه ای بیاورند که کاربردی مانند ذخیره سازی و یا حمل و نقل مواد و سایر چیزها دارند.

در واقع میزان دارایی و موقعیت یک خانواده عشایری بر اساس میزان کمی و کیفی همین کیسه های مخصوص که برای جای دادن البسه، رختخواب، وسایل و اسباب شکار و... هستند، تعیین می گردد. [...] اهمیت و اعتبار این بافته ها تا جایی است که گاهی کیفیت و نقوش و ترکیب های به کار رفته در آنها، هویت ایلایاتی آن قوم را مشخص می سازد» (Harvey, 1996: 89).

یکی از مهم ترین و کاربردی ترین این بافته ها، نمکدان چوپانی است که در میان سایر بافته ها ساختار ویژه ای دارد. به طور کلی «نمکدان دست بافته ای است مرکب از سه روش: ساده، رندی و گندی» (بافت گره ای) در ابعاد ۶۰×۴۰ سانتی متر که ایلات و عشایر برای نگه داری و حمل و نقل نمک درشت یا ساییده از آن استفاده می کنند و فرم کلی آن به شکل بطری است» (حسینی، بهنود، براتعلی، ۱۳۸۷: ۸۵).

این محفظه های عشایری عموماً «به افشاری ها، بختیاری ها، لرها، بلوچ ها و ایلات شاهسون نسبت داده می شوند» (Stone, 1997: 195)، اما در میان سایر ایل ها و طوایفی چون قشقایی، خمسه، ایلات ورامین و... نیز یافتنی هستند و «تقریباً تمامی عشایر ایران به جز ترکمن ها، نمکدان چوپانی دارند» (تناولی، ۱۳۷۰: ۴۶) (تصویر ۲).



تصویر ۲: نمکدان عشایری، مغان - سولان،
۴۲×۲۵/۵، نیمه دوم سده ۱۹ م

عشایر چادرنشین و کوچ رو، همچون سایر مردم، از نمک در مصارف خانگی استفاده می کنند اما در کنار این امر «نیاز عشایر به نمک، افزون بر مصرف روزانه، برای حیواناتشان امری حیاتی است. به علاوه انبار کردن برخی از خوراکی ها از جمله گوشت و ماست برای فصل زمستان، نمک و نمکدان را به صورت ماده و محفظه ای مهم درآورده است» (تناولی، ۱۳۸۰: ۲۹). نمکدان ها علاوه بر حمل و جابه جایی نمک می توانند به عنوان وسیله ای برای نگه داری برخی مواد دیگر نیز مثل دانه و حبوبات و سایر چیزهای ریخته و دانه دانه استفاده شوند. «دهانه و گلوگاه باریک نمکدان حالتی لوله مانند ایجاد می کند که از ریخت و پاش مواد داخل کیسه جلوگیری می کند» (Wertime, 1998: 17).

ویژگی های عمومی

همان طور که گفته شد، ابعاد نمکدان ها اغلب ۴۰×۶۰ سانتی متر (و یا ۲۰×۱۶ اینچ Stone, 1997: 195)



تصویر ۵: قالیچه سجاده ای بلوچ، سده ۱۹ م.



تصویر ۴: قالیچه سجاده ای بلوچ، شمال شرقی ایران، ربع آخر قرن ۱۹ م. ۱۴۰×۹۷ س



تصویر ۳: قالیچه سجاده ای بلوچ، غرب افغانستان، حدود ۱۹۰۰ م. ۱۴۰×۹۷ س

و ساخت و نیز ابعاد، در زمره ی متنوع ترین نمکدان های ایران قرار می گیرند و چنان که اشاره شد، بعضاً کار شناسایی و تقسیم را نیز با مشکل مواجه می کنند. نکته دیگر در مورد نمکدان های عشایری این است که کار بافت آن ها همچون سایر بافته ها اغلب توسط زنان صورت می گیرد که لطف خاص خود را دارد.

ویژگی های منحصر افشاری

کلیه نمکدان ها از دو قسمت عمده بدنه و گلوگاه تشکیل شده اند و به ظاهر قطعی مشابه دارند. اما آن چه که این بافته ها را از یکدیگر متمایز می سازد، جزئیات متفاوت و خاص هر گروه یا دسته از آنها است. این جزئیات شامل طرح و نقوش، بافت، رنگ، تزئینات، میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و... می شوند.

نقوش: طرح ها و نقش های به کار رفته بر روی سطوح رویی نمکدان های افشاری در اغلب موارد با نمونه های

آن در پشت بافته، یکسان است. در مواردی هم طرح پشت بافته تا حدودی متفاوت با بخش رویی کار است. برای نمونه تصاویر ۶ و ۷ دو نمکدان منسوب به افشارهاست که با دو رویه ی غیر یکسان، هم به لحاظ طرح و هم از نظر نقوش به کار رفته با هم متفاوتند. البته نمونه های این چنینی در مقایسه با نمکدان هایی که دو وجه قرینه دارند، کم تر است. نکته با اهمیت دیگر در خصوص طرح و ترکیب بندی سطوح نمکدان های افشاری، اعمال حاشیه در کناره های بافته است. این حاشیه ها که تعدادشان معمولاً ۳ تا ۴ نوار است، با نقوش و اشکالی عموماً هندسی و انتزاعی تزیین شده اند.

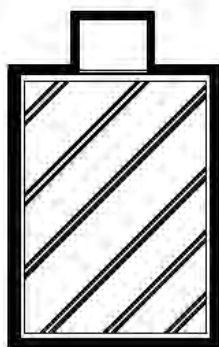
روی هم رفته، آن دسته از نمکدان های افشاری کرمان که دارای حاشیه و کناره هستند و سطحی محصور در میان خود دارند (تصویر ۸)، در مقایسه با نمکدان های بدون حاشیه یا راه راه (افقی یا اریب) (تصویر ۹) حجم بیشتری از آثار را به لحاظ کمی به خود اختصاص می دهند.



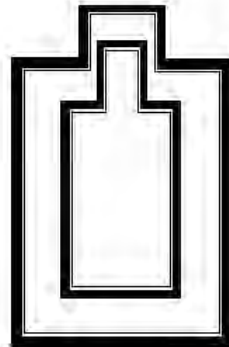
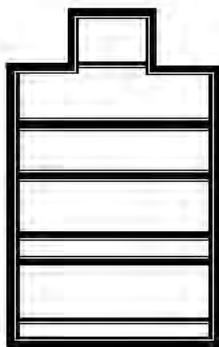
تصویر ۷



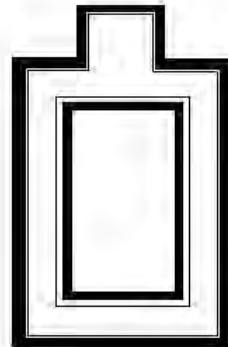
تصویر ۶



تصویر ۹



تصویر ۸



نقوش به کار رفته در سطح نمکدان های افشاری نیز طیف گسترده و متنوعی را شامل می شوند. این نقوش، اشکال هندسی (ستاره هشت پر، ستاره صلیبی، ستاره خرچنگی، لوزی)؛ انتزاعی؛ گیاهی (بُته، گل های ریز، ساقه درخت) و هم چنین حیوانی (پرنندگان، مرغ، بُز و ...) را نیز در بر می گیرند (تصاویر ۱۰ تا ۱۷). البته نقوش گیاهی و حیوانی در مقایسه با اشکال هندسی و انتزاعی - چه در مورد نمکدان های افشاری و چه در سایر نمکدان های عشایری- میزان کم تری را تشکیل می دهند.

در میان اشکال هندسی نیز نقش مربع و لوزی ظاهراً بیش از سایر اشکال تکرار می شود.

بافت

تنوع نمکدان های عشایری افشاری و ایلات کرمان تنها به طرح و نقوش آن ها مربوط نمی شود و این پدیده را در نحوه بافت و ساختار هم می توان مشاهده کرد. آن چنان که «استفاده از انواع بافت تخت مثل گلیم بافی، پیچ بافی و بافته های پود اضافی، برجسته، جایگزین و متعارف استفاده شده و ترکیب بین بافت ها با بافت پرزدار به نمکدان هایشان تنوع و لطف خاصی بخشیده است»

رنگ

رنگ های به کار رفته در بافته های افشاری کرمان هارمونی و هماهنگی زیادی دارند. «قرمز سیر، آبی، زرد، اُکر مایل به نارنجی، سفید و بعضاً سبز، رنگ های غالب در بافته ها محسوب می شوند» (Allane, 1996: 119). در اکثر قالیچه های افشاری نیز «زمینه معمولاً به رنگ قرمز تیره، قرمز، قهوه ای و آبی تیره مایل به قرمز (بنفش) می باشد. از سفید و زرد به مقدار خیلی کم برای ایجاد تضاد و طرح های داخلی استفاده شده و اخیراً رنگ سبز کاربرد بیشتری دارد» (اشنبرند، ۱۳۸۴: ۲۹). نمکدان های عشایری بافته دست زنان کرمان و افشاری نیز با تأثیرپذیری از سایر منسوجات ایلیاتی، اکثراً رنگ مایه هایی از قرمز و قهوه ای سیر و نارنجی را تا رنگ های روشن تر مثل عاجی و سفید در خود جای داده اند.



تصویر ۱۱ ▲



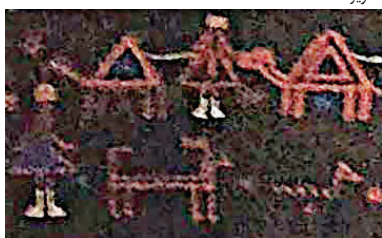
تصویر ۱۰ ▲



تصویر ۱۵ ▲



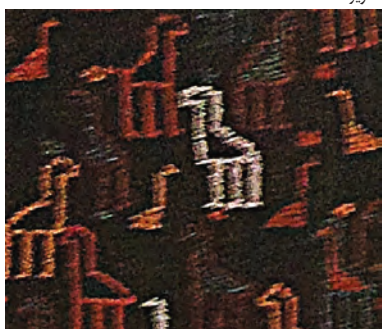
تصویر ۱۱ ▲



تصویر ۱۶ ▲



تصویر ۱۲ ▲



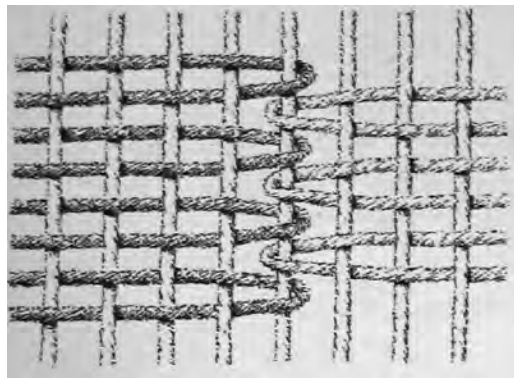
تصویر ۱۷ ▲



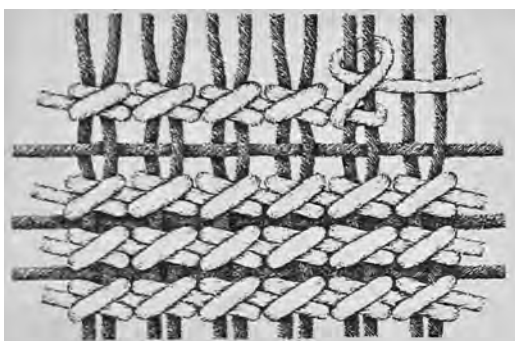
تصویر ۱۳ ▲



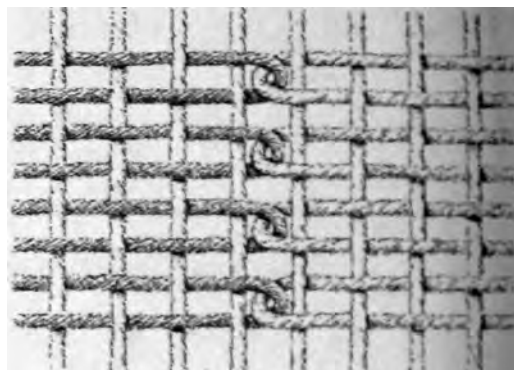
تصویر ۲۱: بافت برجسته



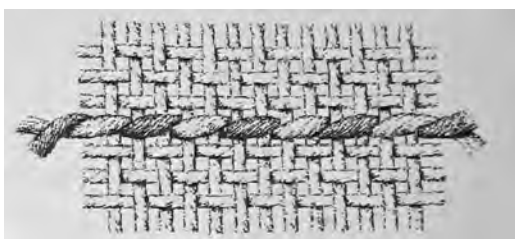
تصویر ۱۸: گره گلیم باف متصل



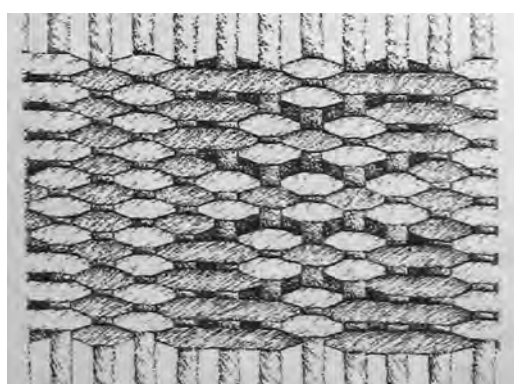
تصویر ۲۲: پیچ باف گره دار با پود اضافی



تصویر ۱۹: گره گلیم باف متصل تک قلاب



تصویر ۲۳: بافت پود چرخان



تصویر ۲۰: بافت پود متعارف



تصویر ۲۴: نمکدان افشاری با منگوله های تزئینی



تصویر ۲۵: نمکدان افشاری

تزئینات

در خصوص سایر متعلقات مرتبط با این نمکدان ها، چگونگی بافت محفظه نمکدان نیز مورد توجه است که بیشتر جنبه ی تزئینی دارد.

در پایان کار برای تزئین، «دو طرف نمکدان با موی بز بافته می شود و روی شانه ها، تارهای اضافی دسته دسته به هم پیچیده به صورت منگوله یا گیس بافی شده تزئین می شود و برای آستر از پارچه متقال استفاده می شود» (حسینی، بهنود، براتعلی، ۱۳۸۷: ۸۵).

تعداد این منگوله های تزئینی بسته به ابعاد بدنه نمکدان متغیر است. به عبارتی هر چه طرفین گلوگاه عریض تر باشد (بدنه مربع-مستطیل)، استفاده از منگوله های بیش تر امکان پذیرتر است. پس از اتمام مراحل بافندگی «می توان از تارهای استفاده نشده در طی کار برای دسته یا بند و حمل یا آویزان کردن» (Wertime, 1998: 25) نمکدان نیز بهره برد (تصاویر ۲۴ و ۲۵).

میزان اصالت نقوش و تأثیرپذیری های غیر بومی

پیش از این مطرح شد که ایل افشاری در عهد صفوی به کرمان کوچانده شد و در آن جا مستقر گردید. فرهنگ این ایل پس از ورود به کرمان با سایر اقوام بومی



تصویر ۲۶: نقشه ناحیه قفقاز

منطقه امتزاج یافت و آن چنان که پیش از کوچ نیز متأثر از سایر نواحی بود، حجم گسترده ای از تأثیر و تأثرات را در خود جای داد. میزان این تأثیر پذیری تا حدی است که برخی محققین معتقدند «عناصر موجود در طرح های بافته های افشاری ملهم و برگرفته از منابع خارجی بوده و آن چه که مختص خود آنها و غیر اقتباسی باشد، اصولاً ناچیز است» (Eiland, 1988: Vol. 8/3).

بنا بر اعتقاد عده ای از مورخین، چون که جایگاه اولیه ایل افشاری؛ قفقاز، آذربایجان و شرق آناتولی بوده، اغلب دست بافته های آنان «در سبک و صناعات به قطعات قفقازی شبیه است» (اشنبرند، ۱۳۸۴: ۲۹) و «نقش فرش های این ایل تا حدودی تحت تأثیر طرح قفقازی است» (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

همان طور که گفته شد نواحی اطراف کرمان نیز در این رابطه نقش به سزایی داشته اند و امروزه «بافندگان عشایر افشار تحت تأثیر بافندگان روستاهای پیرامون، در طرح های خود دگرگونی هایی پدید آورده اند، همان گونه که بافندگان این روستاها نیز در برخی از طرح ها و ترکیب رنگ، تحت تأثیر بافندگان افشاری هستند» (آذرباد، حشمتی رضوی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). با نگاهی کلی به نمکدان های افشار می توان اقتباس طرح ها و اصالت نقوش را بر این بافته ها تا حد قابل ملاحظه ای مشاهده کرد.

این تأثیرپذیری در زمینه طرح و گاهی بافت، از عشایر مناطق مختلفی مثل لرهای بختیاری، کهکیلویه، شاهسون ها، ایلات قشقایی، خمسه فارس و ... متأثر است که در سطح نمکدان ها پدیدار شده است.

نمونه هایی از نقش مایه های نمکدان های افشاری در مطابقت با مناطق ذکر شده، وجوه اشتراک قابل توجهی را نشان می دهد که بخشی از آنها در تصاویر ۲۷ تا ۵۰ تطبیق داده شده و بررسی گردیده اند.



تصویر ۲۷: نمکدان افشاری اواخر سده ۱۳ هـ.ق، نقش چهار مرغ به دور درخت زندگی
این نقش در بافته های سایر ایلات عشایری هم قابل مشاهده است.



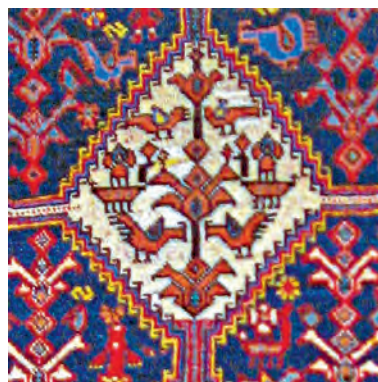
تصویر ۲۹: طرح قالیچه افشاری



تصویر ۲۸: ایل خمسه



تصویر ۳۱: نمکدان افشاری، شهر بابک، اواسط قرن ۱۴ هـ.ق، ۵۴×۴۶ س،
این نمکدان با پیچ های عمودی طرفین حاشیه که با طرح S و یا Z بافته شده برخی از بافته های شاهسون
های شمال غرب ایران را به یاد می آورد.



تصویر ۳۰: نقش لری



تصویر ۳۲: کیف شاهسونی با طرحی مشابه تصویر ۳۱ در حاشیه، ۴۸×۶۱ س، نیمه دوم سده ۱۹ م.



تصویر ۳۴: کیف شاهسونی با نقش ستاره صلیبی، ۴۸×۴۸ س،
اواخر سده ۱۹ م.



تصویر ۳۳: نمکدان افشاری با طرح ستاره صلیبی، این نقش در
میان سایر عشایر بخصوص مناطق شمال غرب استفاده می شود.



تصویر ۳۵: نمکدان شاهسونی، مغان، با طرح مشابه تصویر ۳۴،
اواخر قرن ۱۳ ق.



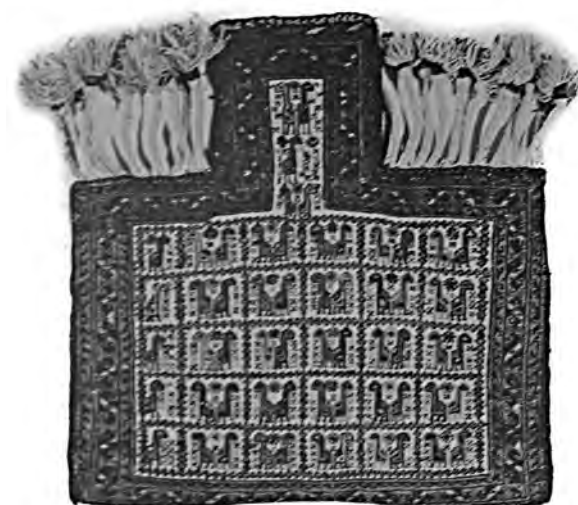
تصویر ۳۸



تصویر ۳۹: پرندگان افشاری



تصویر ۳۶: نمکدان افشاری، کوهی، اواخر قرن ۱۳مق،
نقش مرغ ها و پرندگان از این دست عموماً در میان لره‌های
بختیار و کهکیلویه و بویر احمد دیده می شود.



تصویر ۳۷: نمکدان افشاری یا لری، اوایل . قرن ۱۴مق
مرغ های پشت به هم



تصویر ۴۱



تصویر ۴۰: جا رختی لری با نقش مرغ های پشت به هم
سده ۱۹ م.



تصویر ۴۳: نمکدان افشاری، سیرجان، اوایل قرن ۱۴ هـ.ق - نقش ازدهای دوسر، تکرار این نگاره در جهت عمودی و افقی موجب پیدایش نگاره دیگری به همین شکل در فضای باقیمانده گشته است. این عمل بین شاهسون های آذربایجان شرقی رواج زیادی دارد



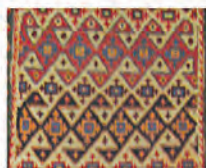
تصویر ۴۲: پرندگان قفقازی



تصویر ۴۵: بافته شاهسون، ۲۱۶×۶۴ س، قرن ۱۹ م



تصویر ۴۴



تصویر ۴۸: نقش انسان، بز و پرند بر روی قالی افشاری



تصویر ۴۷: نقش زن، پرند و ستاره صلیبی قفقازی (آذربایجان)



تصویر ۴۶: طرح پشت نمکدان افشاری با نقوش انسانی و حیوانی



تصویر ۴۹: نمکدان افشاری شهر بابک - با چهار نقش هندسی لوزی شکل در مرکز و یکی در گلوگاه.



تصویر ۵۰: طرحی از روی کیف بختیاری، (۷۴×۷۱ س)، با نقوش هندسی مشابه تصویر ۴۹، و مرغ های پشت به هم (در پایین) مشابه تصویر ۳۷.

نتیجه گیری

افشاری کرمان (و سایر دست بافته هایشان)، تأثیرپذیری از نواحی مختلفی همچون قفقاز، آذربایجان و شرق آناتولی مشهود است که ریشه در پیشینه ایل افشار و محل سابق سکونت آنها دارد.

۹- تأثیرپذیری از ایلات نواحی داخلی ایران نیز (قشقایی، خمسه، شاهسون، کرد، لر، بختیاری، کهکیلویه، بلوچ و...) از خصایص ایل افشاری و بافته هایشان است.

پی نوشت

۱- رک: کتاب سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، فردوسی نامه: مردم و قهرمانان شاهنامه، ج ۳، تهران، ۱۳۵۸ و صادق هدایت، نیرنگستان تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۱۳.

کشف نمک به بهرام گور هم نسبت داده می شود. چگونگی کشف آن، داستانی شبیه کشف نمک به دست طهمورث است. رک: انجوی شیرازی، فردوسی نامه: مردم و شاهنامه، ج ۲، تهران، ۱۳۵۸، ص ۳۲۳.

۲- رک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷، صص ۲۲۷۵۱-۲۲۷۴۵.

۳- Oghuz

۴- تار و پود مابین رج های رندی باف و گندی باف از جنس پنبه و بافت قسمت رندی و گندی، پشمی است. روی نمکدان رندی باف و قسمت پایینی آن، سه تا پنج سانتی متر به سبب سایش کم تر ته نمکدان، گندی باف است.

فهرست منابع:

۱. آذریاد، حسن؛ حشمتی رضوی، فضل الله (۱۳۸۳)؛ فرشنامه ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۲. اشنبرنر، اریک (۱۳۸۴)؛ قالی ها و قالیچه های شهری

۱- عشایر ایران علاوه بر بافت قالی و گلیم، بافته های جانبی دیگری مثل رو اسبی، خورجین، سوماک، مفرش، نمکدان و... نیز دارند که دارای کاربردهای متعددی هستند.

۲- نمکدان بافته ای است کیسه ای و بطری شکل، دارای یک دهانه (گلوگاه) و یک بدنه اصلی که علاوه بر حمل نمک، قابلیت جابه جایی حبوبات، دانه ها و سایر مواد ساییده و خرد شده را داراست.

۳- اکثر عشایر ایران همچون ایلات قشقایی، خمسه، کرد، لر، بلوچ، شاهسون و... دارای نمکدان های چوپانی هستند که هر یک مختصات ویژه خود را دارند که در این میان، نمکدان های افشاری کرمان از جمله متنوع ترین دسته، هم به لحاظ طرح و هم به لحاظ بافت هستند.

۴- نقوش نمکدان های افشاری کرمان عموماً هندسی و انتزاعی هستند (ستاره صلیبی، ستاره هشت پر، ستاره خرچنگی، لوزی، مربع و...) و از نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی (بته، ساقه، درخت، بز، شتر، زن و مرد) در مقایسه با دسته قبلی کم تر استفاده شده است.

۵- در ساخت نمکدان های افشاری، از انواع بافت گلیم، پیچ بافی، پود اضافی، برجسته، جایگزین و متعارف و... استفاده شده است که نشان گر تنوع گسترده نحوه بافت این محصولات می باشد.

۶- نمکدان ها اصولاً به صورت بدون پرز و تخت باف هستند و با این که کار پرزبافی در میان افشارها زیاد است، نمکدان پرزی کم تر در میان نشان یافت می شود و آن دسته از نمکدان ها هم که پرزی اند، در طرف دیگر خود گلیم بافند.

۷- رنگ های قرمز و قهوه ای سیر و نارنجی تا رنگ های روشن تر مثل عاجی و سفید، رنگ های غالب در اکثر بافته های افشاری به ویژه نمکدانند.

۸- در میان ویژگی های ظاهری و صوری نمکدان های ایل

Lexicon”, Thames and Hudson, London.

16. Wertime, John T (1998); “Sumak Bags of Northwest Persia & Transcaucasia”, Laurence King, London.

و روستایی ایران، ترجمه مهشید تولایی و محمد رضا نصیری، نشر یساولی، تهران.

۳. تناولی، پرویز (۱۳۷۰)؛ نان و نمک، انتشارات کتابسرا، تهران.

۴. تناولی، پرویز (۱۳۸۰)؛ دست‌بافته‌های روستایی و عشایری ورامین، انتشارات یساولی، تهران.

۵. حسینی، سید حبیب؛ بهنود، هادی؛ براتعلی، غلامحسین (۱۳۸۷)؛ دایره‌المعارف عمومی صنایع دستی ایران، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.

۶. کوپر، جی. سی (۱۳۷۹)؛ فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.

۷. نصیری، محمد جواد (۱۳۸۲)؛ فرش ایران، انتشارات پرنگ، تهران.

۸. هانگمدین، آرمن (۱۳۷۵)؛ قالی‌های ایران، ترجمه اصغر کریمی، نشر یساولی، تهران.

9. Allane, Lee (1996); “Tribal Rugs”, Thames and Hudson, London.

10. Cole, Tom (2001); “Outback Afshars”, HALI 117.

11. Eiland, Murray (1988); “Themes in Afshar Weaving”, Oriental Rug Review, Vol. 8/3.

12. Ford, P.R.J (?); “Flatweaves of Kerman Province”, Oriental Rug Review, Vol. 11/3.

13. Harvey, Janet (1996); “Traditional Textiles of Central Asia”, Thames and Hudson, London.

14. Opie, James (1992); “Tribal Rugs”, Laurence King, London.

15. Stone, Peter.F (1997); “The Oriental Rug



فصلنامه
علمی-پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۶
تابستان ۱۳۸۹